



انجام درست کار نادرست!

سردبیر

راستی، اکنون در آموزش و پرورش و از جمله در مدرسه که مرکز ثقل تحقق همه برنامه‌های آموزشی و تربیتی است، چه اتفاقی در حال افتادن است و چقدر از کارهایی که سعی در انجام درست آن‌ها داریم نادرست و غلط است و بدتر آنکه همه تلاش‌هایمان را مصروف می‌کنیم تا این کار یا روش نادرست به درستی انجام گیرد! برای مثال:

- چه اندازه سخت می‌گیریم تا همه دانش‌آموزان پسر موهای سرشان را با ماشین نمرة ۴ کوتاه کنند؟
- چقدر تلاش می‌کنیم تا والدین در سر کلاس درس فرزندانشان حاضر نشوند؟
- چقدر وقت می‌گذاریم تا دانش‌آموزان به روش فشار از بیرون، نمرة بالایی کسب کنند؟
- چقدر تلاش می‌کنیم حجم دانسته‌های دانش‌آموزان را از طریق کتاب‌های آموزشی غیررسمی افزایش دهیم؟
- چقدر تلاش می‌کنیم تا دانش‌آموزان روپوش‌هایی بپوشند که ما رنگشان را دوست داریم؟
- چقدر زحمت می‌کشیم تا معلمان آن‌گونه تدریس و کلاس‌داری کنند که ما دلمان می‌خواهد؟
- چقدر تلاش می‌کنیم تا برخی از خواسته‌های ناحق والدین از معلمان را با اصرارهای بیجا محقق کنیم؟
- چقدر تلاش می‌کنیم تا برخی از برنامه‌های غیرواقعی و غیربومی ابلاغ شده از ستاد را فقط به دلیل رعایت سلسله مراتب، عیناً و به اجبار، به معلمان، دانش‌آموزان و والدین تحمیل کنیم؟
- چقدر تلاش می‌کنیم که دانش‌آموزان ما به قیمت دور ماندن از

در شرایطی به سر می‌بریم که کمبود آب بیداد می‌کند، محیط‌زیست در خطر است، بسیاری از جاده‌ها و وسایل حمل‌ونقل ایمنی لازم را ندارند، حجم زیاد پذیرش دانشجو در دوره‌های مختلف تحصیلات تکمیلی، کیفیت را قربانی کمیت کرده است، روش‌های سنتی و ناکارآمد تدریس رایج است، بسیاری از پایان‌نامه‌های تحصیلی اعتبار علمی ندارند و...، لکن به دلایل واهی از جمله دشواری و یا بی‌مبالاتی عملی و اخلاقی در کار، باز هم بر انجام درست کارهای نادرست اهتمام می‌ورزیم و در آن هزینه صرف می‌کنیم و وقت می‌گذاریم. فاجعه‌بارتر این است که به نادرستی آن کار هم واقفیم.

از مهم‌ترین علت‌های این بی‌مبالاتی‌ها و صرف هزینه‌های بیهوده، تشخیص غلط کار درست است. وقتی تشخیص ندهیم کدام کار درست و کدام کار غلط است، بیمی هم از انجام دادن آن نداریم اما اگر بدانیم کاری که می‌خواهیم انجام دهیم نادرست است و عواقب بدی دارد، به یقین از انجام دادن آن پرهیز خواهیم کرد.

در علوم پزشکی، با تشخیص درست بیماری به کمک ابزارهای نوین، کمتر مرتکب اشتباه و انجام کار نادرست می‌شویم؛ مثلاً پزشکان سعی می‌کنند با تشخیص درست بیماری، از جراحی معده به جای قلب اجتناب کنند. این روند درست می‌تواند در سایر حرف و مشاغل نیز ایجاد شود اما به دلیل عدم تشخیص درست یا فرار از تشخیص درست و یا کتمان آن، بسیار تلاش می‌شود که کار نادرستی به درستی انجام گیرد. این یعنی فاجعه هدررفت منابع در نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی؛ یعنی خیانتی که کمتر به چشم می‌آید.

- چقدر تلاش می‌کنیم که همه کارکنان مدرسه و والدین، ما را دوست داشته باشند و بگویند چه مدیر خوبی است؟ و...
راستی چرا برای تشخیص اینکه کدام کار یا کدام روش درست و کدام غلط است، سعی نمی‌کنیم؟ چرا ابزارها، روش‌ها و فنون تشخیص درست را یاد نمی‌گیریم؟ چرا به جای روش‌های علمی از روش‌های صرفاً تجربی، عادت شده و شهودی استفاده می‌کنیم؟
آیا تاکنون به هزینه‌های بالای این بی‌مبالاتی‌ها و بی‌دقتی‌ها فکر کرده‌ایم؟ کار تربیت، سخت و پیچیده است، لکن وظیفه ما هم این است که کار مهم تربیت را سبک نشمریم و بی‌پروا و بی‌تقوا به انجام دادن کاری که به درستی آن ایمان و باور نداریم، اهتمام نوزیم.

اخلاق و تربیت درست رتبه‌هایی را در کنکور کسب کنند؟
- چقدر زحمت می‌کشیم تا زیردستانمان برنامه‌های غیرعلمی‌ای را که تدوین کرده‌ایم، به اجبار و بدون نظر دادن عملیاتی کنند؟
- چقدر تلاش می‌کنیم تا کارکنان یا معلمان مدرسه در شورای مدرسه کمتر نقد کنند و ایراد بگیرند و بیشتر ما را تأیید کنند؟
- چقدر تلاش می‌کنیم تا همه دانش‌آموزان در نمازهای جماعت مدرسه شرکت کنند؛ حتی آن‌هایی که هنوز به سن تکلیف نرسیده‌اند؟
- چقدر زحمت می‌کشیم تا دانش‌آموزان دختر در سر کلاس درس که محرمت کامل برقرار است، حجابشان را به‌طور کامل نگه دارند؟

